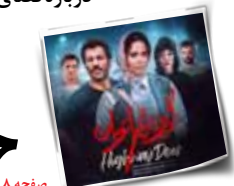


مروری بر برجسته ترین آثار آسیب شناسانه سینما درباره فضای مجازی به بهانه اکران «گوزن های اتوبان»

همنشینی

جذابیت و خطر



یکشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ آذر ۱۴۰۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۹۱ سال و ۲۴ روز گذشت |

اسپانیایی ها پس از انتشار صحبت های گواردیولا علیه جنایات صهیونیست ها به خیابان ها آمدند

تیکی تاکا
علیه دشمن

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4428 | SUN.OCT.05.2025 | ISSN:2008-2886



پیشنهاد ترامپ، پاسخ حماس
و پیچیدگی های پیش رو درباره جنگ غزه

طرح فریب

صفحه ۷

تیتیر های امر وز



هاآرتس: اسرائیل کمپین های حمایتی از پهلوی را طراحی و حمایت می کند

سلطنت صهیونی

ربع پهلوی یک نمایش است
موساد روی چه کسانی حساب باز کرده؟

صفحه ۲

ایران بزودی ۳ ماهواره جدید به فضا پر تاب می کند

ایران

در طرح ماه نشین

تکمیل پایگاه فضایی چاپهار برای پر تاب
ماهواره های سوخت جامد برای نخستین بار

صفحه ۲

پرونده «وطن امروز» درباره آخرین تحولات
قیمت مواد خوراکی در شهر یورماه

تورم داغ تابستان

صفحه ۵

چرا فر آیند تصمیم گیری
در ایران کند است؟



نگاه

رضا حیدری

یکی از پرسش های اساسی عرصه مدیریت و حکمرانی ایران طی سال های اخیر، چرایی تأخیر در اتخاذ تصمیمات مهم و بروز پدیده نوعی بی تصمیمی در لحظات حساس است. پاسخ به این مساله صرفا در شرایط فعلی جست و جو نمی شود، بلکه باید ریشه های آن را در ساختارهای شکل گرفته طی بیش از یک قرن گذشته پی گرفت. تاریخ سیاسی ایران، بویژه از اواخر دوران قاجار و سراسر دوره پهلوی، با خاطره تلخ تمرکز قدرت و استبداد سیاسی عجین شده است. این تجربه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به طراحی ساختاری متکثر و چندلایه در نظام تصمیم گیری کشور انجامید؛ ساختاری که مأموریت اصلی اش پیشگیری از بازتولید استبداد و تضمین نظارت جمعی بر تصمیمات کلان بود.

در دهه های ابتدایی پس از انقلاب اسلامی، نظام تصمیم گیری متکثر ایران تا حد زیادی با شرایط زمانه و نیازهای جامعه همخوانی داشت. در آن مقطع، جامعه ایران بشدت نیازمند جلب اعتماد و تضمین مشارکت گروه های متنوع اجتماعی، دینی و قومی بود. نگرانی از بازتولید استبداد و تمرکز قدرت نیز دغدغ های واقعی و فراگیر به شمار می رفت. از این رو، تعدد نهادهای تصمیم گیرنده و توزیع مسؤولیت میان ساختارهای مختلف، راهکاری معقول برای تقویت نظارت جمعی و تضمین عدالت و مشارکت در اداره کشور محسوب می شد اما تحولات پرشتاب دهه های اخیر بویژه از اوایل دهه ۹۰ به این سو، معادلات حکمرانی را دگرگون کرد. رشد چشمگیر ارتباطات، گسترش فناوری های اطلاعاتی، تغییرات بنیادین در ترکیب جمعیت و افزایش تازامی را بر نظام مدیریتی کشور تحمیل کرده است. جامعه امروز ایران، بیش از هر زمان دیگری به تصمیم گیری های سریع، مقتدرانه و کارآمد نیاز دارد تا بتواند همگام با تحولات منطقه ای و جهانی، فرصت های پیش رو را بدرستی مدیریت کند و در برابر تهدیدها واکنش مؤثر نشان دهد.

کشور گرفتار تورم، پیچیدگی و تعدد لایه های تصمیم گیری دهه های قبل است؛ ساختارهایی که گاه به جای حل مسائل، خود به مانعی اساسی بر سر راه سرعت و کیفیت تصمیم ها تبدیل شده اند. استمرار این وضعیت، موجب اختلال در روند پاسخگویی، اتلاف منابع و کاهش کارآمدی شده و توانایی کشور برای برخورد فعال و مؤثر با چالش های نوظهور را بشدت محدود کرده است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

علی کاکاذر فولی*

در شرایطی که کشور با مساله های واقعی و اولویت های روشن روبه رو است، تمایزگذاری دقیق میان آنچه واقعا مساله است و آنچه مساله نمایانده می شود، هم برای مردم و هم برای مسؤولان، بسیار ضروری است. جامعه ای که می خواهد از چرخه بحران فاصله بگیرد و مشکلات خود را حل کند، باید توان تمرکز خود را حفظ کند. تمرکز نیز زمانی ممکن می شود که روایت های رهن را بشناسیم و به آنها میدان ندهیم. روایت رهن مجموعه ای از گزارها و قاب های خبری - تحلیلی است که مخاطب را از مسائل اصلی به حاشیه ها می کشاند؛ گاه از سر ناآگاهی و گاه با حساسگری و طرح پیشینی؛ تفاوتی نمی کند، زیرا حاصل در هر ۲ حالت یکی است؛ اتلاف توجه، فرسایش سرمایه اجتماعی و عقب افتادن از حل مساله هایی که سرنوشت زندگی مردم را رقم می زنند.

■ روایت رهن چیست و چه مختصاتی دارد؟

روایت رهن به جای استدلال، هیجان می نشاند. به جای داده و تجربه و تحلیل، با تحریک خشم یا تحقیر یا تحسین افراطی واکنش سریع و سطحی می سازد. وقتی قیمت یا سیاستی تازه اعلام می شود، به جای سنجش عددی و بررسی پیامدها، موجی از توهین و تحقیر به راه می افتد تا مجال گفت و گو، عقلانی از میان برود. روایت رهن دوگانه های کاذب می سازد تا راه میانه و راه حل های ترکیبی دیده نشود. یا می گوید همه چیز خوب است یا هیچ چیز قابل اصلاح نیست؛ نتیجه آن است که سیاست گذار یا به انکار می افتد یا به تسلیم.

این روایت همچنین از قیاس های ناعادلانه استفاده می کند. بهترین نمونه خارجی در بهترین زمان را کنار بدترین مقطع داخلی می گذارد و حکم کلی صادر می کند که پیشرفت ممکن نیست. چند نقص واقعی در یک محصول داخلی را برجسته می کند و سپس صنعت ملی را بی حاصل می خواند. روایت رهن، شخصی سازی می کند، مساله ای ساختاری مانند بودجه ریزی را نظام بانکی را به نام یک چهره تقلیل می دهد تا ریشه ها پنهان بماند؛ نسبت هزینه / فایده را وارونه می بیند؛ از

خطای یک کارمند فیلمی می سازد و آن را به بحران ملی بدل می کند اما در برابر اختلال مهم در زنجیره تأمین یا نظام تأمین مالی تولید سکوت می کند. این سنخ روایت، بی تاریخ است. روندها و زمینه ها را حذف می کند تا قضاوت لحظه ای و ناپایدار شکل بگیرد. اگر نرخ تورم اندکی کاهش یافت، آن را به کلی نادیده می گیرد یا با وضعیتی بسیار دور می سنجد و اگر شاخصی بد شد، از فروپاشی سخن می گوید.

■ چرا روایت های رهن تکثیر می شوند؟

پاسخ نخست در اقتصاد توجه است. در محیطی که پلنفرم ها به محتوای جنجالی، پاداش بیشتری می دهند، تولیدکننده انگیزه دارد مساله ای کوچک را بزرگ کند یا برای واقعییتی پیچیده عنوانی ساده و تحریک کننده بسازد. خبر کاذب یا نیمه درست سریع تر پخش می شود، چون هیجان می آفریند. پاسخ دوم در رقابت سیاسی و جنگ شناختی است. مخالفان بیرونی علاقه مندند میدان ذهنی جامعه درگیر حاشیه شود تا توان رسیدگی به پرورنده های کلان کاهش یابد. در داخل نیز برخی از روی عجله یا شهرت طلبی و برخی با محاسبه جناحی همین چرخه را بازتولید می کنند. به همین دلیل مسؤولیت نخبگان و رسانه های حرفه ای سنگین تر می شود. آنها باید سطح بحث عمومی را بالا ببرند، استاندارد گفت و گو را از شعار به تحلیل مبتنی بر داده ارتقا دهند و زنجیره خبر تا تحلیل و تا راهکار را کامل کنند؛ البته به شرطی که جامعه حوصله شنیدن این تحلیل ها را داشته باشد.

■ مساله اصلی کجاست؟ چگونه آن را شناسایی کنیم؟

متن، مسائل اصلی کشور است و حاشیه، هر چیزی که دور از آنها باشد؛ متن در اقتصاد مقاوم، عدالت اجتماعی، ثبات مالی و پولی، رفع موانع تولید و سرمایه گذاری، ارتقای حکمرانی داده و شفافیت، توسعه علم و فناوری های پیشران، سیاست خارجی متوازن و امن سازی محیط منطقه ای، اصلاح نظام رفاه و خدمات عمومی و سلامت اداری و کارآمدی دستگاه ها است. متن یعنی هدف گذاری با شاخص. وقتی می گویم ثبات مالی، باید از نسبت کسری بودجه به تولید ناخالصی و از کیفیت تأمین مالی سخن بگویم. وقتی از تولید حرف می زنیم، باید زمان صدور مجوز، هزینه دسترسی به تسهیلات، سهم تحقیق و توسعه

توجه ملی را از روایت های رهن نجات دهیم!

از فروش و بهره روی نیروی کار را رصد کنیم. وقتی شفافیت را مطالبه می کنیم، باید روند پروژه ها، گزارش منظم پیشرفت و عقب ماندگی و سازوکار پاسخگویی روشن را ببینیم. هر چه گفت و گو از این دایره دور شود، هزینه / فرصت می بردازیم.

■ مصادیق روایت رهن در عرصه داخلی

۱- تقلیل همه مشکلات به یک فرد یا یک نهاد

در این روایت، کل پیچیدگی اقتصاد و اجتماع به نام یک مدیر یا یک سازمان فرو کسته می شود. نتیجه آن است که اصلاح نهادی و سیاستی نادیده می ماند و جامعه در انتظار جابه جایی افراد می نشیند. تجربه بارها نشان داده بدون کار بر قواعد بودجه، نظام بانکی و محیط کسب و کار، تعویض افراد معجزه نمی کند. روایت رهن از این جنس با تیتیر تند آغاز می شود که اگر فلان شخص برود، همه چیز درست می شود و پایان آن ناامیدی تازه است.

۲- بزرگ نمایی حاشیه های بی اهمیت

در روزهایی که بودجه یا برنامه ای مهم در دستور کار است یا اتفاق مثبت و امیدآفرینی رخ می دهد، ناگهان بحث لباس یا رفتار یک چهره مشهور یا هر حاشیه غیرمهم دیگری به مساله نخست بدل می شود. این مدل محتوا، ماشین حواس پرتی است. انرژی عمومی را می بلعد اما هیچ مساله ای از مسکن و آموزش و تولید را حل نمی کند. روایت رهن در اینجا سعی می کند القا کند در حال انجام وظیفه شهروندی خود به عنوان یک شهروند مسؤولیت پذیر است، تعریف رهن را از کار خود این است که حتی به ریزترین مسائل کشور توجه دارند اما واقعیت آن است که آنها بر شمار بسیاری از مسائل مهم کشور به دلایل مختلف چشم بسته اند و تنها این موارد ریز و بی اهمیت را منعکس می کنند.

۳- تحقیر نظام علمی و صنعتی داخلی با قیاس ناعادلانه

نقص های واقعی در یک فناوری داخلی تبدیل می شود به برجسب ناکارآمدی ذاتی. انگیزه پژوهشگر و کارآفرین فرسوده می شود و مسیر یادگیری جمعی از بین می رود. نقد دقیق، لازم اما تحقیر سیستماتیک، رهنز است. روایت رهن با گزینش چند تصویر از شکست کل مسیر موفقیت های خاموش را می پوشاند؛ از رشد شرکتهای دانش بنیان تا ارتقای زنجیره تأمین در صنایع مادر.

۴- روایت ناامیدی مطلق و ویرانشهر

این روایت، رهنزی است که از یک طرح آگاهانه پیشینی نشأت می گیرد اما بسیاری از افراد ناآگاه و احتمالا ناراضی را هم با خود همراه می کند. این روایت می گوید هیچ اصلاحی ممکن نیست و هر تلاشی محکوم به شکست است. ناامیدی، کنش جمعی را می خشکند، سرمایه اجتماعی را می کاهد و میدان را به سوداگری کوتاه مدت می دهد. نشانه آن بی اعتنائی به هر عدد و روند مثبت و تبدیل هر پیشرفت به شوخی تلخ است. چنین نگاهی نه منتقد، بلکه فلج کننده است.

۵- دوگانه سازی های کاذب میان هویت و اقتصاد
ملا انتخاب بین نان یا هویت؛ گویی اگر از فرهنگ و هویت ملی سخن بگوییم، از اقتصاد غافلیم یا برعکس. در واقع اقتصاد و فرهنگ هم افزا هستند. جامعه ای که انسجام هویتی ندارد، توان اجرای برنامه های سخت اقتصادی را پیدا نمی کند. روایت رهن برای تضعیف سرمایه اجتماعی، این دوگانه را مرتب بازتولید می کند تا همکاری عمومی ناممکن شود.

۶- بحران سازی از تنوعات فرهنگی و اختلافات طبیعی

برای نمونه گاه با برش های گزینشی از یک درگیری محلی یا فکری میان ۲ شهرستان، تعارضی فراگیر تصویر می شود. این روایت خود را با برجسب مبارزه برای عدالت یا آزادی می آراید اما هدفش شکستن انسجام و تصویر یکپارچگی ملی است. علاج آن شفافیت اطلاعاتی، عدالت منطقه ای و رسانه های محلی توانمند است که روایت های افراطی را خنثی کنند.

۷- امنیت به عنوان مقوله ای ضد توسعه، هزینه زا و بی دستاورد

برخی نگاهها، امنیت را صرفاً به معنای نبود ناآرامی های فیزیکی تقلیل می دهند و از ابعاد عمیق تر آن غافل می شوند. این رویکرد، توسعه را تنها در پیشرفت های عمرانی، اقتصادی و اجتماعی می بیند؛ بدون اینکه به بستر حیاتی و بنیادین امنیت پایدار توجه کند. این گروه، با تمرکز صرف بر شاخص های مادی توسعه، نادانسته بر این باور غلط دامن می زند که می توان بدون توجه به تهدیدات امنیتی، به توسعه واقعی دست یافت و از این طریق، ذهن ها را از ضرورت حفظ ثبات که پیش شرط هر گونه پیشرفت پایدار است، منحرف می کند. آنها گمان می کنند با صرف

منابع مالی و انسانی در پروژه های عمرانی، می توان به توسعه رسیده غافل از اینکه هر گونه بی ثباتی امنیتی، می تواند تمام این دستاوردها را در یک چشم به هم زدن بر باد دهد.

ایس روایت رهنز با کوچک شمردن مخاطرات و تهدیدات امنیتی، زمینه ساز تصمیم های پرریسک در سیاست گذاری های کلان می شود. تجربه تلخ کشورهای منطقه به وضوح نشان می دهد بدون امنیت پایدار و جامع، هیچ برنامه اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی بلندمدتی دوام نخواهد آورد. سرمایه گذاری ها از بین می رود، نیروی انسانی متخصص مهاجرت می کند و زیرساخت ها تخریب می شود. این گروه با نادیده گرفتن اهمیت امنیت ملی، خواسته یا ناخواسته راه را برای نفوذ عوامل بی ثبات کننده هموار می کند و با تحلیل های سطحی خود، جامعه را به سمت انتخاب های پرخطری سوق می دهد که نتیجه آن، فدا کردن ثبات و امنیت به پای توهم توسعه ای ناپایدار است. این رویکرد، در نهایت جز عقب ماندگی و سرخوردگی چیزی به ارمغان نخواهد آورد.

۸- تحریف تاریخ کشور با هدف معرفی آن به عنوان مانعی برای توسعه

ایس گروه از راهزنان، با القای این تفکر که هر گونه ارجاع به گذشته به معنای ایستایی و درجا زدن است، تلاش می کند حافظه تاریخی جامعه را نفسی کند. حال آنکه تاریخ، بویژه دوران پرفراز و نشیب ایران پس از انقلاب، سرشار از تجربیات ارزشمند و چراغ راه آینده است. شناخت دقیق خطاها و اشتباهات پرهزینه ای که در گذشته رخ داده، می تواند به طور چشمگیری از تکرار آنها و صرف هزینه های گزاف در آزمون و خطاهای امروز جلوگیری کند. قطع پیوند با حافظه جمعی و اتخاذ تصمیم هایی بی ریشه و بدون پشتوانه می شود که نه تنها به پیشرفت واقعی منجر نمی شود، بلکه می تواند کشور را در چرخه ای از تکرار تجربیات شکست خورده گرفتار کند. بنابراین توجه به تاریخ نه تنها مانع پیشرفت نیست، بلکه بنیان مستحکمی برای حرکت به جلو و درس آموزی از گذشته برای ساختن آینده ای روشن تر فراهم می آورد.

ادامه در صفحه ۲